

چالش‌های ارتباطی خانواده مسلمان ایرانی و راه‌های برون‌رفت از آن

نرگس عبدالحمید

عذرا علی هاشمی آشتیانی

طیبه زندیه

گیتی صادقی پی

چکیده:

نهاد خانواده جایگاهی رکین در نظام تربیتی دارد. خانواده ابتدایی‌ترین، اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین واحد جامعه محسوب می‌شود. واحدی که فرد سیر اجتماعی شدن را در آن می‌پیماید و بایدها، نبایدها، هنجارها، مفاهیم و اصول ارزشی خاص اجتماع، فرهنگ و مذهب خویش را در بطن آن می‌شنود، می‌بیند، می‌آموزد و در اعماق جانش نهادینه می‌شود؛ امروزه نهاد خانواده با چالش‌ها و مسائلی دست‌به‌گریبان است که در صورت عدم شناسایی، تعیین، تعریف و تدوین سیاست و راهبردهای کلان و راه‌کارهای خرد؛ اعم از قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی، استواری روابط خانوادگی، تحکیم بنیان خانواده و اعتلای کیان و انسجام آن، نیز توانایی این نهاد در پاسخگویی به کارکردهای خود را در موقعیت آسیب‌زا قرار داده و یا خواهد داد.

در نوشتار حاضر اجمالاً به چالش‌های ارتباطی خانواده اسلامی ایرانی و راه‌های برون‌رفت از آن که به‌صورت توصیفی و از طریق کتابخانه‌ای صورت گرفته، پرداخته می‌شود.

کلید واژگان: قرآن کریم، ارتباط، خانواده مسلمان، چالش‌های ارتباطی.

مقدمه:

با توجه به انواع نیازمندی‌هایی که افراد به یکدیگر دارند می‌توان گفت: اصیل‌ترین نیازهای انسان تنها در محیط خانواده تأمین می‌شود، زیرا در این محیط است که نیاز تکوینی فرزند به پدر و مادر و نیاز مستقیم زن و شوهر به یکدیگر و نیازهای جنسی و عاطفی آن‌ها به‌وسیله





یکدیگر تأمین می‌شود. یعنی صرف‌نظر از تصرف در ماده و اشیاء خارج از وجودشان، خود افراد به همدیگر احتیاج دارند و می‌توانند برای رفع نیازهای همدیگر مؤثر باشند. در این کانون اولیه، نخستین اثرگذاری و اثرپذیری آغاز می‌شود؛ لذا خانواده به‌مثابه بستری است که فرد ابتدا مهارت‌های فردی، مهارت‌های بین‌فردی، نحوه تعامل با گروه همسالان و شبکه دوستان و انجام خدمات عام‌المنفعه را در بطن آن می‌آموزد.

درواقع مهم‌ترین کارکردهای خانواده را می‌توان تأمین نیاز جنسی، تنظیم رفتارهای جنسی و بالمآل یاری‌رسانی به سطح امنیت اجتماعی و اخلاقی، شکوفایی استعدادهای ذاتی و خدادادی کودکان، تکامل انسان و اعتلای آموزه‌های دینی و اخلاقی، تأمین پایگاه اجتماعی افراد خانواده، کنترل اجتماعی همسران و فرزندان، حفظ و حراست از سلامت جسم و روان اعضای خود و حمایت و مراقبت از ایشان، آموزش مشارکت در حل مسائل، تقویت روحیه جمعی، تفکر انتقادی، پایه‌گذاری مسئولیت‌پذیری، پذیرش تعهد اجتماعی، آموزش حفظ انسجام، تولیدمثل و صیانت از جمعیت و یا سرمایه‌ی انسانی کشور، آموزش‌های فردی و اجتماعی و انتقال فرهنگ و زبان برشمرد. کاهش وسعت ابعاد خانواده، اشتغال مادران و فعالیت‌های خارج از خانه نوعی دگرگونی پی‌درپی ارزش‌های اجتماعی در اثر گسترش نظام سرمایه‌داری و نابرابری‌های بسیاری از معیارهای ارزشی، اخلاقی و معنوی خانواده‌ها را دگرگون کرده و تشخیص و تمیز سره از ناسره را برای والدین دشوار ساخته است. لذا به نظر می‌رسد که توجه و شناخت و ریشه‌یابی این تحولات و تأثیر آن‌ها بر مناسبات خانوادگی در معنای خاص و روابط اجتماعی در معنای عام و گسترده بتواند در ارائه راهکارهای علمی جهت سرو سامان بخشیدن به ارتباطات خانوادگی مؤثر و مفید واقع شود. ساختار مقاله به این صورت است که در بخش مفاهیم به تعریف خانواده، ارتباط و خانواده مسلمان و سپس چالش‌های درون و بیرون خانواده و درنهایت راهکارهای برون‌رفت از آن‌ها به پرداخته شده است.

مفاهیم:

ارتباط: ارتباط عبارت است از جریان پویایی که در آن تبادل اطلاعات صورت می‌گیرد. این جریان می‌تواند چهره به چهره یا رودررو باشد که آن را ارتباط مستقیم یا میان فرد می‌نامند. در این نوع ارتباط شخص پیام‌دهنده یا پیام‌گیرنده با یکدیگر تماس دارند و به همین جهت پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده می‌توانند به نوبت نقش خود را تغییر دهند. و هرکدام به جای دیگری ایفای نقش نماید ارتباط ترجمه لغت Communication است. هرچند استعمال این لغت در کتب نوشته‌های فارسی عمومیت ندارد اما با این وصف از سایر لغات متداول تر به

نظر می‌رسد. ریشه این لغت کلمه لاتین Communis است که می‌توان آن را به تفاهم و اشتراک فکر ترجمه کرد. وقتی که با شخصی ارتباط برقرار می‌کنیم کار ما در حقیقت برقراری یک نوع اشتراک فکر و تفاهم اندیشه با اوست. مفهوم واقعی ارتباط با توجه به ریشه لاتین آن (در میان گذاشتن و تقسیم کردن) مفهومی است که لازمه آن فقط یک فرستنده فعال و یک گیرنده انفعالی نیست بلکه بازخورد دومی را که نیز تغییردهنده طرز رفتار اولی است به حساب می‌آورد. و از آن مهم‌تر مستلزم شرکت فعال تمام افراد ذی‌نفع در روند ارتباط نیز هست. دکتر محسنیان می‌گویند: «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط به آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (مهدی محسنیان راد، ص ۵۷).

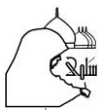
خانواده: خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن تأمین سلامت روانی برای سه دسته است؛ زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان. صاحب‌نظران علوم اجتماعی برای خانواده تعاریف فراوانی ارائه کرده‌اند؛ از جمله:

«خانواده، سازمان اجتماعی معدود و نهاد سازنده‌ای است که از طریق ازدواج که یک قرارداد اجتماعی است، تشکیل می‌شود.» (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی و سیر تحول و تکامل جامعه، محمدحسین فرجاد، ص ۱۱۰)

«ازدواج و تشکیل خانواده، خدمتی است برای پدید آمدن یک کانون آسایش و خوش بختی و نشاط طبیعی، ارضای غریزه جنسی، لذت بردن از زندگی، بهره‌مندی از محبت و تعاون و مددکاری و سرانجام امتزاج دو روح در افق محبت و هم‌آهنگی و اتصال دو دریا از نیرو و قدرت، برای رسیدن به هدفی متعالی» (ناهد مهابادی راد، ص ۸۹)

خانواده مسلمان ایرانی: خانواده مسلمان خانواده‌ای است که پایبند مقررات شریعت الهی و خلاق و آداب اسلامی می‌باشد و برای به دست آوردن خیر و منافع این دنیا و دنیای پس از مرگ تلاش می‌نماید و برای زندگی در جامعه‌ای سالم با روشی هوشیارانه و اسلوبی آرام برای تحقق سربلندی دنیا و سعادت آخرت از هیچ سعی و تلاش فروگذار نمی‌نماید. به همین خاطر خانواده مسلمان همیشه میان آرمان‌گرایی و واقع‌بینی و دیدگاه فراگیری و جزئی‌نگری و عوامل ثابت و متغیر تعادل لازم را فراهم می‌نماید.

در عرصه آرمان‌گرایی و واقع‌بینی، خانواده مسلمان تلاش می‌کند که از زندگی خوب و سالم و درآمدی کافی و آینده‌ای روشن و در حال ترقی برخوردار باشد و خیر و سعادت خویش را در عملی نمودن مسئولیت‌های دینی و احکام اسلامی می‌داند و هیچ‌یک از رهنمودهای قرآن و سنت را به دست فراموشی و بی‌مبالاتی نمی‌سپارند. آنان از همان روزهای خواستگاری و نگاه‌های پاک و تفاهم ابتدایی با نشست‌ها و





دیدارهای صریح و صادقانه و به‌دوراز شک، شبهه و فریب‌کاری سنگ بنای سعادت خود را در زمین استوار می‌نمایند و توانایی‌ها و ویژگی‌ها، تناسب و شایستگی میان دختر و پسر را مورد توجه قرار می‌دهند و هر یک از آنان به مسئولیت‌های فطری و اجتماعی خویش عمل می‌کنند و مرد از طریق کار و تلاش مخارج زندگی را فراهم می‌نماید و زن به اداره امور منزل و سرپرستی فرزندان می‌پردازد. در خانواده مسلمان مرد بر اساس مشورت، بررسی، تعاون و هماهنگی - که اساسی سالم برای هرگونه زندگی اجتماعی است - قوامت، سرپرستی و نظارت را بر دوش دارد. اساس روابط زن و مرد بر اطمینان متقابل و در کلام و معاشرت بر اساس اعتبارات انسانی ارزشمند رفتار می‌نمایند. در رابطه با هزینه‌های زندگی از ریخت‌وپاش پرهیز نموده و راه اعتدال را در پیش می‌گیرند، و زن شوهرش را به خریداری چیزهایی که با درآمد او سازگاری ندارد مجبور نمی‌کند و مرد نیز همسرش را به کارهایی که در حد توان و استعداد او نیست مجبور نمی‌نماید و در حالت بیماری و بارداری و عادت ماهیانه او را مورد مراقبت قرار می‌دهد. معیار این روابط مشترک بر اساس: میان‌روی در جدی بودن، قاطعیت، تسامح، نرمش، عشق، متابعت، احترام متبادل، معرفت، تجمع مخاطر و مشکلات و پرهیز از افراط و تفریط و تلاش برای جلب رضایت خداوند است. رعایت اعتدال در زمینه «فراگیری و جزئی‌نگری» بدین معناست که خانواده برای سروسامان دادن به امور خود به‌صورت گام‌به‌گام عمل نماید و کاخ زندگی خود را مرحله‌به‌مرحله بسازد و برای رسیدن به آرزوها و امیدهایش نخواهد که راه یک‌ساله را یک‌روزه طی کند و به اندک و حداقل هم قناعت ننماید و مبنای روابط خود را با خویشاوندان بر اساس روشی مطلوب و جدی درعین حال واقع‌بینی و آرمان‌گرایی، پایه‌ریزی کند.

چالش‌های ارتباطی درونی خانواده مسلمان ایرانی:

آسیب‌هایی که خانواده با آن روبروست را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به دو دسته درون خانوادگی و برون خانوادگی تقسیم نمود. کشمکش‌ها و درگیری‌های خانوادگی، بسیاری اوقات منشأ درونی و روانی دارند. تضادهای درون اگر به بیرون کشانده شوند، زمینه‌های ناامنی را برای زن و شوهر و اعضای خانواده پدید می‌آورند و کانون گرم خانواده را متزلزل می‌سازند.

هنگامی که فرد نسبت به همسرش بدبین و یا به زندگی مشترک بی‌اعتماد است، ممکن است به‌ظاهر از آن سخن به میان نیاورد، ولی با بهانه‌جویی‌های بی‌جا موجبات درگیری را فراهم می‌آورد. جو و فضای تحقیر، زورگویی، ناسپاسی، پرتوقعی و رعایت نکردن احترام متقابل موجبات تزلزل ارکان خانوادگی را فراهم می‌نماید.

برخی اختلاف‌نظرها و سلیقه‌ها، ممکن است کشتی زندگی مشترک را دچار تلاطم کند و زندگی زناشویی را به مخاطره بیندازد. هر قدر فهم، درک، گذشت، بینش و خداترسی طرفین (زن و شوهر) بیش‌تر باشد، توان رویارویی با ناملایمات افزایش می‌یابد.

در این قسمت برخی آسیب‌های درون خانوادگی که ناپایداری ساختاری و عاطفی خانواده را رقم می‌زند، بیان می‌شود.

۱- نگرش ناصحیح به جایگاه خانواده

یکی از آسیب‌های درون خانوادگی که نقشی اساسی در اصلاح یا تضعیف بنیان خانواده دارد، نوع نگرش افراد به خانواده است. از نظر اسلام یکی از اهداف شکل‌گیری خانواده، دستیابی به اطمینان و آرامش است. خداوند می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش بیابید. (روم / ۲۱) از آنجاکه ادامه این پیوند در میان همسران خصوصاً، و در میان همه انسان‌ها عموماً، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می‌کند: «و در میان شما مودت و رحمت آفرید» و در پایان آیه برای تأکید بیشتر می‌فرماید: «در این امور نشانه‌هایی است برای افرادی که تفکر می‌کنند» (مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۶، ص ۳۹۲) این مودت الهی و انس روحی، غیر از گرایش‌های غریزی است که برخی جریان‌های انحرافی در رابطه زن و مرد مطرح می‌کنند. انس در سایه ازدواج بر مبنای محبت الهی و عمل به فرامین او ایجاد می‌شود. رابطه هماهنگ بین زن و مرد، با بصیرتی ملکوتی، زمینه ساختار نظام برین انسانی را فراهم می‌کند. (محسن جوادی و جمعی از نویسندگان، ص ۳۵۳)

برخی با نگرشی ناصحیح، خانواده را صرفاً جایگاهی برای رفع نیازهای جسمانی خویش می‌پندارند و برای آن تقدسی قائل نیستند. این گروه آن‌چنان که باید در حفظ و تعالی خانواده کوششی نمی‌کنند و به‌صورت معمول در این‌گونه خانواده‌ها، مسئولیت‌گریزی، نبود روابط عاطفی سالم، توقعات فراوان موج می‌زند.

۲- ناآگاهی یا عدم پذیرش تفاوت‌های ساختاری جنسیتی بین اعضای خانواده

یکی دیگر از آسیب‌های فراروی خانواده‌ها، ناآگاهی آنان به تفاوت‌های جنسیتی افراد خانواده است. بر این اساس سطح انتظارات اعضا از یکدیگر نامتناسب بوده و به‌تدریج باعث ایجاد تنش و نارضایتی در افراد خانواده می‌شود. جنس زن و مرد در سه حیطة مسائل فیزیولوژیکی و ساختمان بدن، کیان روانی، هوش و استعداد، تفاوت‌های ساختاری و اساسی با یکدیگر دارند. خداوند بر اساس این تفاوت‌ها، نوع مسئولیت





مرد و زن را در فضای خانواده و اجتماع متفاوت قرار داده است. اما برخی افراد تحت تأثیر اندیشه‌های نوبنیاد و تصور اومانستی (انسان‌مداری و خودبنیادی) در زندگی نمی‌خواهند یا نمی‌توانند، این تفاوت‌ها را بپذیرند. بر همین اساس، مناسبات خانوادگی و اجتماعی زن و مرد، دشوار می‌شود و باعث تضعیف بنیان خانواده و به تحلیل رفتن کارکرد و توان فکری و رفتاری آن می‌گردد.

۳- جایابی نقش‌ها و مسئولیت‌ها در خانواده

خانواده در جامعه کنونی بر اساس تغییر نوع نگرش‌ها به جایگاه زن و مرد، دچار آسیب جایابی نقش‌ها شده است. زن و مرد در برخی خانواده‌ها در جایگاه حقیقی خود قرار ندارند. مرد مسئولیت‌های مربوط به زن را انجام می‌دهد و زن مسئولیت‌های مربوط به مرد را برای خود برمی‌گزیند. زن از پذیرش نقش‌های زنانگی خود ابا می‌کند. بر اساس تفاوت ساختارها می‌توان گفت، تکوین، بستر و مجرای تشریح است و هر دو در راستای یک هدف به وجود آمده‌اند، لذا این دو از هر زاویه‌ای با هم متناسب و هم‌جهت‌اند. تکوین با تشریح، در هماهنگی و تناسب کاملی است. در نتیجه، از وجود تفاوت‌های تشریحی می‌توان به وجود تفاوت‌های تکوینی که عامل اختلاف در احکام و وظایف است پی برد. اسلام که دین تعادل است، تشریح احکام و مسئولیت‌های زن و مرد را مبتنی بر تکوین آنان نموده است. لذا مدیریت معیشت خانواده را بر عهده مردان گذارده است که با توان فکری و جسمی آنان سازگار است. از سوی دیگر مدیریت عاطفی و تربیتی خانواده را به زنان سپرده چراکه روحيات لطیف زنانه و قوت احساس آنان در تحقق این مسئولیت کارایی عمیقی دارد.

۴- فزونی اشتغالات اعضای خانواده به‌ویژه والدین

یکی دیگر از آسیب‌هایی که خانواده‌های امروز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، فزونی اشتغالات والدین است. امروزه برخی مردان و زنان به خاطر شهرت‌طلبی، فزون‌خواهی، رقابت‌های ناسالم اقتصادی، دنیاگرایی و... خود را به پذیرش مسئولیت‌های مختلف مجبور نموده‌اند به‌گونه‌ای که تمام زمان و توان خود را صرف کار و کسب درآمد می‌کنند. پیامبر عزیز اسلام ﷺ فرمایند: «جلوس المرء عند عیاله احب الی الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا؛ نشستن مرد در کنار خانواده‌اش، نزد خدای بزرگ دوست داشتنی‌تر از اعتکاف در مسجد من است.» (محمدی ری‌شهری، ج ۴، ص ۲۸۷) اشتغالات فراوان، مانع رسیدگی دقیق به خانواده شده و به تدریج شکاف‌هایی بین اعضای خانواده ایجاد می‌نماید. در این میان فرصت تولید و تربیت نسل، ایجاد فضای پر آرامش در کانون خانواده و انجام رسالت‌های الهی جای خود را به تعارضات و نارضایتی در درون خانواده می‌دهد

۵- نبود همگرایی عاطفی میان اعضای خانواده

یکی از آسیب‌های دیگر که در خانواده‌های امروزی به چشم می‌خورد، نبود همگرایی عاطفی میان اعضای خانواده است. هر یک از اعضا متناسب با علائق و سلايق شخصی، فضای خلوتی را برای خود ترسیم می‌نمایند که در آن مرزبندی‌ها جایی برای اعضای خانواده یافت نمی‌شود. پراکندگی افکار، احساسات، خواسته‌ها و میل‌ها کم‌کم منجر به انفکاک پیوندهای خانوادگی می‌شود. این شکاف‌ها در درون خانواده به تدریج، سلامت زیستی اعضا در کنار هم را تضعیف می‌سازد. به‌طور مثال در خانواده‌های امروز با نفوذ تکنولوژی‌های جدید و روی آوردن ناسالم خانواده‌ها به آن، همگرایی اعضا به واگرایی تبدیل شده است. نتیجه آن که در خانواده‌هایی که این نوع آسیب‌ها وجود دارد، همزیستی نه‌تنها مسالمت‌آمیز نبوده بلکه صرفاً زیستی جبری همراه با تنش‌ها و نزاع‌های گفتاری و رفتاری خواهد بود.

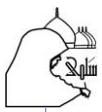
راهکارهای رفع آسیب‌های درون خانوادگی

برخی از مبانی و راهکارهای مقابله با تنش‌های خانوادگی عبارت‌اند از:

۱- نگرش موحدانه به زندگی

رسالت انسان در هستی پرستش پروردگار است. خداوند می‌فرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" (ذاریات/ ۵۶) بر اساس این آیه هدف خلقت، عبادت است. امام رضا (ع) می‌فرمایند: "اول عبادت الله معرفته" (شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۲) سرآغاز عبادت خدا، شناخت اوست. یکی از جایگاه‌های تجلی و تحقق بندگی توسط انسان، روابط و مناسبات او با اعضای خانواده است. اگر نگرش انسان به خانواده و مسئولیت‌های آن، نگرش الهی باشد، آنگاه پدر، مادر، همسر و فرزند را پیش از آن‌که از خود و منتسب به خود بدانند، از خدا و منتسب به او می‌دانند. لذا خانواده جایگاه تجلی ارتباطات همزمان انسان با خالق و مخلوق است و در این نگاه، سطح توقعات و انتظارات از یکدیگر کاهش یافته، میزان رضایت انسان از زندگی افزایش می‌یابد. چراکه در پی هر گامی که در خانواده و برای اعضا آن برمی‌دارد، زمینه رسیدن خویش به مطلوب را فراهم ساخته است.

۲- توجه به تفاوت‌های فردی





انسانی که در مناسبات خویش، هدفمند حرکت می‌کند و خواهان تأثیرگذاری مطلوب است، تفاوت‌های افراد مقابل خود را در نظر می‌گیرد و سپس کنش یا واکنشی را محقق می‌سازد. هدف‌داری یک انسان متعهد که به یک سلسله مبادی و اصول معتقد است، او را در نحوه برخورد با مردم، در چارچوب مبانی و اهداف مقید می‌سازد که در همه گفتارها و رفتارهای او، می‌توان آن را فهمید. (جواد محدثی، ص ۱۹)

امام رضا علیه السلام می‌فرماید «التودد الی الناس نصف العقل؛ مهرورزی با مردم، نیمی از خرد است.» (حسن حرانی، ص ۶۹۲) در این بیان کوتاه و رسا، امام می‌خواهند انسان‌ها را در یک انتخاب هدفمندانه قرار دهند و آن، برگزیدن یک مدل رفتاری خردمندانه و مهربانانه با دیگران است. رفتار خردورزانه به حکم عقل، انسان را به تفاوت‌های فردی مخاطب متوجه می‌سازد. بر این اساس یکی از راهکارها در کاهش یا رفع آسیب‌های درون خانوادگی، ضرورت متفاوت بودن کنش یا واکنش خاص در برابر دیگران است.

۳- ارزش‌مداری در روابط انسانی

آنچه می‌تواند فضای روابط انسانی را سالم‌سازی کند، نوع نگرش انسان به جایگاه افراد مقابل خود است. گاه در خانواده انسان به تصور اینکه فردی کوچک‌تر از اوست یا از نظر علمی و موقعیت اجتماعی از جایگاه پایین‌تری نسبت به او برخوردار است، نحوه تعامل و احترام به وی را متفاوت می‌سازد..

۴- اخلاق‌مداری در خانواده

زندگی مسالمت‌آمیز در خانواده جز در سایه رعایت حقوق یکدیگر و پذیرش اصول و ضوابط آن ممکن نیست. آگاهی نداشتن از حقوق خانواده و توجه نکردن به نظم حاکم بر آن موجب، برخوردها و کشمکش‌هایی می‌شود که بنیاد خانواده را از هم خواهد پاشید. (جواد ایروانی و دیگران، ج ۱، ص ۲۱۴) یکی از حقوق مسلم اعضای خانواده نسبت به یکدیگر، رعایت اصول اخلاقی در معاشرت است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید «حسن الناس ایمانا احسنهم خلقا و الطفهم بأهله و أنا أطفکم بأهلی؛ کسی ایمانش برتر و بهتر از دیگران است که اخلاقش نیکوتر و نسبت به خانواده‌اش مهربان‌تر باشد.» (مجلسی، ج ۷۱، ص ۳۸۷)

۵- اصل قناعت ورزی و شکرگزاری

یکی از اصول مؤثر در اصلاح روابط خانوادگی، اصل قناعت ورزی و توسعه روحیه شکرگزاری نسبت به دیگران است. برخی آسیب‌های فراروی خانواده‌ها، از زیاده‌خواهی آنان نشأت می‌گیرد. همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم/ ۷۷) شکرگزاری انسان از سویی باعث تقویت روحیه زیبایی‌ی او می‌شود چراکه به‌صورت مداوم در پی کشف نعمت‌هاست و از سوی دیگر وقتی خود را غرق نعمت خدا و محبت اطرافیان می‌بیند، صفت تواضع در او تجلی می‌یابد. تواضع در مقابل اطرافیان انسان را محبوب ساخته و فضایی آرام در مناسبات او با دیگران به‌ویژه اعضای خانواده پدید می‌آورد.

۶- توسعه مهرورزی

مهر ورزیدن و محبت دیدن از آن نوع نیازهایی است که تجلی آن به‌صورت‌های گوناگون در همه انسان‌ها دیده می‌شود. از سویی ثابت شده است ریشه آسیب‌های روانی و ناسازگاری‌های اجتماعی در ارضا نشدن نیاز به محبت و تعلق پذیری است. بدین معنی که اگر مادری به خاطر بحران‌های روحی و خانوادگی نتواند به دل‌بستگی طبیعی فرزندش پاسخ دهد، آسیب‌پذیری‌اش در برابر فشارهای روانی و کژکاری‌های اخلاقی زیاد می‌شود و از جاده تعادل و ثبات دور می‌ماند. (دیروز، من، امروز، ما، گروه مؤلفین، ص ۱۰۸)

بر همین مبنا در آموزه‌های دینی همواره نسبت به ابراز محبت و مهرورزی با دیگران به‌ویژه خانواده تأکید فراوان شده است پیامبر اکرم ﷺ سلم می‌فرمایند: «قول الرجل للمراه اینی أحبک لا یذهب من قلبها أبدا؛ اگر مردی به زنش بگوید دوستت دارم، این سخن هیچ‌گاه از یاد و خاطره زن نمی‌رود.» (حرعاملی، ج ۱۴، ص ۹)

۷- تساوی و فروتنی در روابط خانوادگی

یکی از عوامل مؤثر در تخریب پایداری خانواده، فخرفروشی و خودبرتربینی است. توجه به تفاوت‌های روحی و روانی افراد در کنار تمایزات جنسیتی آنان می‌تواند زمینه تحقق روابطی سالم و دوستانه را در فضای خانواده ایجاد نماید. چراکه بسیاری از انتظارات نامعقول درون خانوادگی از عدم توجه به تفاوت افراد و جایگاه‌های آنان نشأت می‌گیرد. توجه به تفاوت‌های ساختاری از سوی دیگر باعث رفع تکبر و غرور در خانواده می‌شود. هرگاه انسان طرف مقابل خود را آن‌گونه که هست بپذیرد، میان خود و او از نظر احترام و ادب تساوی قائل می‌شود. طرفین رابطه در هر مقام و موقعیتی باشند، اساس ارتباطشان باید مبتنی بر تساوی و نگاهی بدون کبر و غرور و پرهیز از تفاخر و برتری‌جویی باشد. (فرامرز قراملکی، ص ۲۰۴)



این نوع نگرش به روابط انسانی، زمینه تحقق آرامش و کاهش آسیب‌های درون خانوادگی را فراهم می‌سازد.

چالش‌های ارتباطی بیرونی خانواده مسلمان ایرانی:

خانواده‌های گسیخته و متزلزل، جامعه متزلزل پدید می‌آورند. اصولاً ریشه بسیاری از کج روی‌های اجتماعی را باید در خانواده جست‌وجو کرد. اگر شاهد لجام‌گسیختگی جوامع هستیم، اگر میزان ارتکاب جرائم روزبه‌روز افزایش می‌یابد، اگر میزان اختلالات رفتاری و شخصیتی هرروزه بیش‌تر می‌شود، اگر بیش از ۵۰ درصد تخت‌های بیمارستانی را بیماران سایکز اشغال کرده‌اند و باز هم با کمبود تخت در بخش روانی مواجه هستیم و اگر از هر چهار ازدواج قریب سه ازدواج به طلاق منجر می‌شود، ریشه تمامی این مشکلات را باید ابتدا در خانواده و ارتباطات آن پی جست. لذا در این بخش به آسیب‌های ارتباطی بیرونی خانواده مسلمان ایرانی، بدون قید احصاء، اشاره می‌کنیم:

- ابتلای زوجین یا یکی از ایشان به اعتیاد زیان‌آور؛ اعتیاد به مواد مخدر یکی از مسائل جدی جامعه در ابعاد مختلف جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی به شمار می‌رود که علاوه بر آسیب بودن خودش زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی نیز می‌باشد. بیش از ۶۰ درصد زندانیان کشور، به جهت اعتیاد به قاقاق و مواد مخدر مجرم شناخته شده‌اند. فرد معتاد در نقش همسر یا پدر، تهدیدی جدی بر حیات فردی و اجتماعی و آسیبی عمیق بر کیان خانواده محسوب می‌شود. (فصلنامه کتاب زنان، ش ۲۲، ص ۷۶)

اعتیاد دارای پیامدها و عوارض منفی بسیاری می‌گردد که برخی از عمده‌ترین ابعاد زیان‌بخشی اعتیاد عبارت است از:

الف) در ابعاد فردی و روانی: شامل عوارض جسمی چون ناراحتی‌های عصبی (اضطراب، سوء‌هاضمه، سوء‌تغذیه، اختلالات قلبی و عروقی و...)، عوارض روانی شامل وابستگی روانی، کاهش هوشیاری، بی‌ارادگی، افسردگی و... و نیز اختلالات رفتاری: دروغ‌گویی، پرخاشگری، پنهان‌کاری، سرقت، شب‌نشینی‌های بیهوده و... می‌باشد.

ب) در ابعاد اجتماعی و خانوادگی: مطالعات نشان می‌دهد که خانواده‌های معتاد، تفاوت چشمگیری با خانواده‌های غیر معتاد دارند، به‌گونه‌ای که روابط و کارکردهای مختلف خانواده همچون کارکرد جنسی، عاطفی، اقتصادی، آموزشی و... مختل می‌گردد. هرکدام از این‌ها خود منشأ بسیاری از مشکلات برای خانواده به حساب می‌آید. (همان، ص ۷۶)



شواهد آماری حاکی از آن است که ۳۴ درصد از طلاق‌های کشور، ناشی از اعتیاد و مسائل مرتبط با مواد مخدر است (همان) و ۶ درصد علل درخواست طلاق از سوی زنان اعتیاد همسر است. بنابراین، بسیاری از خانواده‌ها تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم پدیده شوم اعتیاد هستند. طلاق یکی از پیامدهای عمده اعتیاد است که به‌نوبه خود می‌تواند دلیلی بر شیوع و گسترش اعتیاد نیز باشد. اعتیاد شوهر، غالباً منجر به برهم خوردن نقش‌ها و وظایف خانوادگی می‌گردد به‌گونه‌ای که بار مسئولیت زنان خانه‌دار را می‌افزاید و آن‌ها را تحت فشار روحی و روانی مختلف قرار می‌دهد.

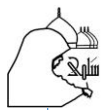
• اشتغال زنان؛ در موضوع اشتغال زنان باید توجه داشت که زن در نگرش اسلام برای تأمین معاش زندگی مسئولیت ندارد، اما درعین حال اشتغال به کار زنان از دیدگاه اسلام حرام نیست. چه‌بسا در مواردی نیز به همیاری زنان در جامعه نیاز باشد؛ مانند آموزگار زن برای تعلیم دختران و پزشک زن برای درمان هم‌نوعان، ولی آنچه مهم و شایان توجه است این است که کار زنان در محیط خارج از خانه با دشواری‌های بی‌شمار همراه و حتی در مواردی مسئله‌آفرین است. چه‌بسا اشتغال زنان در بیرون خانه سبب شود که برخی ارزش‌های دینی زن آسیب ببیند و به شخصیت او لطمه وارد شود. بر اساس تحقیقات موجود، بخشی از اختلالات و درگیری‌های خانوادگی مربوط به مسئله اشتغال زنان است که بر اثر آن بخشی از وظایف و مسئولیتی که زن در قبال خانواده دارد بر زمین می‌ماند (همان، ص ۸۸) مادری که تحت شرایط سخت بار مسئولیت خانه و شغل خود را به‌تنهایی بر دوش می‌کشد، تحت فشار روانی و جسمانی قرار می‌گیرد و با افزایش خستگی و ناراضی‌تی، وقت و انرژی کافی برای فرزندان خود نخواهد داشت.

معاشرت‌های بی‌حساب؛ رفت‌وآمدهای خارج از حد تعارف از دو جهت می‌تواند به روابط خانوادگی آسیب وارد کند؛

الف) ممکن است زن و یا مرد در این راه بخش مهمی از درآمد و اقتصاد خود را برای خوش‌گذرانی با دوستان ناباب صرف نمایند و خود و خانواده را در تنگنا قرار داده و دچار فقر و پریشانی سازد.

ب) ممکن است بخش چشمگیری از وقت زن یا مرد با دوستان ناهل به لهو و لعب و رفیق‌بازی‌ها بگذرد که این سبب رنجش خاطر خانواده را فراهم می‌کند و باعث فروپاشی خانواده گردد.

به‌هرحال، معاشرت خارج از حد متعارف چه از جانب مرد و چه از جانب زن باعث از بین بردن حقوق طرف مقابل و در نتیجه منجر به اختلاف و درگیری می‌گردد.





• روند روزافزون کاهش امنیت، رضایت و تعهد زناشویی، جدایی عاطفی، چندهمسری همزمان و یا غیر همزمان، نیز رسیدن آمار طلاق‌های قانونی؛ خصوصاً طلاق‌های زود هنگام به مرز هشدار، پایین آمدن سن بیوگی بانوان، طلاق‌های توافقی و کثرت روزافزون آن و تعمیق و گسترش تبعات اجتماعی و جبران‌ناپذیر انحلال روابط زناشویی و مآلاً فروپاشی انسجام خانواده؛ که بالاخص ریشه در ناکارآمدی دستگاه‌های متولی دارد؛

لذا مهم‌ترین عاملی که آسیب جدی برای خانواده به حساب می‌آید و ارکان نظام خانواده را متزلزل می‌سازد، طلاق است که منفورترین حلال پیش خداوند است. از نظر اسلام طلاق ناخوشایند است. منفورترین چیز نزد خداوند خانه‌ای است که به واسطه طلاق و جدایی ویران شود. از کلمات اولیای دین اسلام نیز زشتی و فاجعه‌آمیزی طلاق استفاده می‌شود تا حدی که پیامبر [ص] فرماید: «به حدی به من درباره زن سفارش شد که گمان کردم طلاق دادن زن جز در صورت ارتکاب زنا

از سوی او، سزاوار نیست.» (شیخ حر عاملی ج ۱۵ ص ۲۶۷) از آنجاکه طلاق به متلاشی شدن خانواده منجر می‌شود و عوارض نامطلوبی برای همه اعضای خانواده دارد، تعالیم اسلام به روش‌های مختلف سعی در پیشگیری و جلوگیری از وقوع طلاق دارد.

پیامدهای زیان‌بار طلاق

طلاق به هر دلیل و در هر حال، آثار روانی زیان‌بار و مخربی بر اعضای خانواده دارد؛ مانند بیماری و رنجوری، خستگی روحی، بی‌اعتمادی به دیگران، کاهش کمیت و کیفیت کار، احساس شکست در زندگی، نگرانی نسبت به فرزندان، ستیزه‌جویی، خودکشی، انحرافات اجتماعی، ناامیدی از آینده، اضطراب، دل‌تنگی، عصبانیت و احساس پریشانی. فرزندان در خانواده‌های طلاق با مشکلات عاطفی، اجتماعی، و اقتصادی متعددی روبه‌رو می‌شوند. پسران عصبی مزاج، خودسر، سرکش و نامنظم بار می‌آیند و دختران، مضطرب، نگران و منزوی یا بسیار بی‌مبالات می‌گردند. (آسیب‌شناسی ستیزه‌های خانواده و طلاق، محمدحسین فرجاد، ص ۳۰۰)

• تأثیر نامطلوب برخورد‌های خویشاوندان بر روابط خانواده؛ متفکران و فلاسفه انسان را «مدنی بالطبع» می‌دانند و معتقدند انسان ناگزیر از ارتباط برقرار کردن با دیگران است. ازدواج پیوند مقدسی است که شبکه ارتباطی انسان را گسترش می‌دهد. ارتباطات سالم زمینه‌ساز بالندگی و رشد فردی و اجتماعی می‌گردد. روابط خانوادگی در شبکه خویشاوندی دارای آثار و برکات فراوانی است که البته مانند

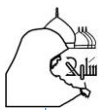
هر پدیده انسانی و اجتماعی احتمال آسیب‌پذیری آن وجود دارد. از این رو صیانت از استحکام خانواده نیازمند مراقبت از آسیب‌های احتمالی در شبکه روابط خویشاوندان است.

از آسیب‌های احتمالی روابط خویشاوندی، دخالت‌های بی‌مورد و گاه مضر افراد در زندگی دیگران است. می‌توان این را متداول‌ترین آفت روابط خویشاوندی خانوادگی دانست. حمایت اجتماعی و مالی نباید موجب دخالت در زندگی دیگران و تحمیل دیدگاه‌های خود شود. از این رو، در کلمات اولیای دین (ع) آمده است که بالاترین صلہ رحم، آزار نرساندن به خویشاوندان است. (محمدباقر مجلسی، ج ۷۱، ص ۸۸) آزار می‌تواند ضمن دخالت‌های بی‌مورد نیز بروز کند. از آفت‌های دیگر روابط خویشاوندی، رقابت و چشم و هم‌چشمی در تجملات و امور دنیوی است. در این مورد، توجه به توصیه‌های اسلام در دوری از تجمل‌گرایی (حدید ۲۰) و تشویق به مسابقه در کارهای خیر و معنوی (حدید ۲۱) می‌تواند تا حدی این آفت را کاهش دهد.

روابط خانوادگی نباید موجب بی‌توجهی به دستوره‌های خداوند شود. بروز برخی گناهان در مجامع خانوادگی و ترجیح این روابط بر دستوره‌های خداوند از آسیب‌های این روابط است که قرآن با تأکید بر جنبه عاطفی این روابط، افرادی را که دوستی خانواده و خویشان را بر دوستی خدا و وظایف الهی، ترجیح می‌دهند، تهدید کرده است (توبه ۲۴)

دخالت و آتش اختلاف

دخالت بی‌مورد اطرافیان و آشنایان در زندگی خصوصی دو همسر، به‌ویژه هنگام اختلاف آنان فاجعه می‌آفریند پیوند زناشویی را تهدید می‌کند. امروزه تجربه اجتماعی نشانگر این است که منشأ بسیاری از اختلافات و درگیری‌ها بین زن و مرد جوان دخالت‌های خانواده دو طرف است که با تعصب و محبت‌های ناروا همراه است. چه بسا حریم زندگی دو جوان محل زورآزمایی و تسویه حساب خانواده‌های آنان قرار گرفته، زندگی و آسایش عروس و داماد تلخ گردد. اگر اطرافیان و خویشان زن و مرد آنان را به حال خود واگذارند و با جانب‌داری خویش آتش‌بیار معرکه نگردند، آنان بیش‌تر مشکلات و اختلافات خود را با تفاهم و تفکر برطرف خواهند کرد. یکی از دست‌اندرکاران امور تربیتی در این باره می‌نویسد: «دخالت‌های بی‌مورد بستگان و نزدیکان هر یک از زن و شوهر مثل پدر و مادر یا اقوام و آشنایان صاحب نفوذ که بعضاً علاوه بر پدید آوردن مشکلات گوناگون، عرصه زندگی را برای همسران دستخوش ناملایمات و مسائل ناخواسته نموده و در مواردی سبب



پیدایش تصورات نادرست نسبت به تمامیت شخصیت همسر و نتیجتاً بدبینی و احساس حقارت می‌گردد وای بسا اختیار تصمیم‌گیری در امور زندگی را از آنان سلب می‌نماید.» (عباس اسماعیلی یزدی، ص ۲۷۹)

• قرار داشتن خانواده ایرانی در مرحله انتقال و گذار؛ به نحوی که اکنون نهاد خانواده ضمن حفظ برخی از مشخصه‌ها و کارکردهای پیشین خود، در عین حال برخی صفات و مشخصه‌های نوین را پذیرفته و یا در آستانه‌ی پذیرش دارد. از جمله تبعات این مهم می‌توان به موارد زیر اشعار داشت:

• کاهش سن اولین تجربه جنسی زن و مرد، افزایش فاصله زمانی بین اولین تجربه جنسی، کاهش تمایل به تشکیل خانواده و بالا رفتن سن ازدواج و بالمآل عدم امکان فرزندآوری و یا فرزندآوری سالم؛ که از زیرساخت‌های ناکارآمد متعدد؛ اعم از اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی آبشخوری می‌کند و مآلاً کوچک شدن ابعاد خانواده‌ی ایرانی؛

• بسط و گسترش روزافزون جاذبه‌ها و الگوهای جایگزین و رقیب برای نهاد ازدواج؛ مانند همزیستی‌ها و انواع روابط فرا زناشویی و ازدواج‌های موقت بدون رعایت ترتیبات قانون، ثبت نشده و نافی منزلت زن مسلمان؛

• کاهش ابعاد خانواده، سر برآوردن گرایش به سمت تفردی شدن خانواده و خانواده‌های دورزی؛

• کم‌رنگ شدن ارتباطات کلامی، دیداری، شنیداری و فیزیکی اعضای خانواده که خصوصاً ریشه در متنوع شدن فعالیت‌های رسانه‌ای، فضاهای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و محصولات فن‌آوری دارد که به‌رغم داشتن ظرفیت‌های شایسته جهت ترویج فرهنگ و ارزش‌ها و باورهای ایرانی - اسلامی، مع‌الوصف از یکسو نهاد خانواده ظرفیت و مهارت لازم جهت تنظیم و نحوه استفاده و تعامل با آن را نیاموخته و از سوی دیگر بالا رفتن میزان استفاده و درگیری اعضاء با مصنوعات فن‌آوری و رسانه‌ای، فرصت برقراری روابط هویت‌بخش با دیگر اعضای خانواده را از ایشان سلب نموده است؛ همچنین کاستی و خلأ در ارائه‌ی خدمات رفاهی و بیمه‌ای و نابسامان بودن اوضاع اقتصادی خانواده و عدم بهره‌مندی از تسهیلات پایه، موجب شده تا اشتغال تمام‌وقت و بعضاً اضافه‌کاری‌های ممتد و یا اشتغال به کار دوم و سوم توانایی برقراری روابط خانوادگی را زائل نموده و یا با سستی و بی‌میلی همراه سازد؛



- کاهش تأثیرگذاری نظام متولی همسریابی (خصوصاً والدین) و نیز تغییر معیارها و دایره‌ی همسرگزینی و کاهش و یا حذف مناسک؛ خصوصاً به لحاظ ظهور و گسترش رسانه‌های مجازی و ماهواره‌ای و نداشتن مهارت در نحوهٔ تعامل با این موارد و لذا ایفای نقش مصرف‌کنندگی صرف؛

- تعمیق شکاف بین نسلی بین اعضای خانواده و نداشتن مهارت لازم برای فرزند پروری و ناکارآمدی سبک‌های پیشین فرزندپروری؛
- روند روزافزون کاهش امنیت، رضایت و تعهد زناشویی، جدایی عاطفی، چندهمسری هم‌زمان و یا غیر هم‌زمان، نیز رسیدن آمار طلاق‌های قانونی؛ خصوصاً طلاق‌های زودهنگام به مرز هشدار، پایین آمدن سن بیوگی بانوان، طلاق‌های توافقی و کثرت روزافزون آن و تعمیق و گسترش تبعات اجتماعی و جبران‌ناپذیر انحلال روابط زناشویی و مآلاً فروپاشی انسجام خانواده؛ که بالاخص ریشه در ناکارآمدی دستگاه‌های متولی دارد؛

- جابه‌جایی و تضعیف جایگاه نقش‌های خانوادگی؛ شامل نقش همسری، پدری، مادری و فرزندگی و لذا جابه‌جا شدن حقوق و تکالیف نانوشتهٔ متعلق به نقش‌های اعضاء و بعضاً بالاتکلیف ماندن اعضای خانواده بین شناسایی حقوق و تکالیف مربوط به خود؛
- مسائل منبعت از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع بیگانه بدون لحاظ ترتیبات قانون، بعضاً در شکل موقت و ثبت‌نشده و بدین‌سان دامن زدن به گسترش کمی فرزندان فاقد تابعیت و هویت قانونی و بدون نسب مشخص؛

- تعمیق و گسترش خشونت خانگی و شاخه‌شاخه شدن آن در اشکال مختلف؛ خصوصاً خشونت‌های ناموسی و خانگی؛ مضافاً این‌که بعضاً این قسم از خشونت به لحاظ محرمانه و شخصی بودن محل ارتکاب، خویش را در پشت پردهٔ ابهام و سکوت نهان می‌سازد؛ لذا نه قربانیان آن از امکان بازتوانی و ترمیم خسارات وارده بهره‌مند می‌شوند، نه شهود واقعه جرأت برملا ساختن این رخداد را می‌یابند و نه آمران و عاملان ارتکاب، در دستان توانمند عدالت قضایی بار مسؤولیت و سزادهی قانون را متحمل می‌شوند و ره به تأدیب می‌پویند؛
- استثمار اقتصادی از زنان و کودکان در محیط خانه توسط سرپرست خانوار و واداشتن ایشان به انجام کار خانگی مشقت بار و

فاقد درآمد؛ نیز واداشتن کودکان به ورود در عرضهٔ مواد مخدر، واداشتن کودک به کار در خارج از منزل؛



- جلوگیری از تحصیل کودکان؛ خصوصاً دختران؛
- بی‌توجهی به کودکان و نادیده انگاشتن حق به شنیده شدن ایشان که خصوصاً در آینده موجبات ضعف مهارت‌های فردی، رفتاری و جمع‌گریزی را در آن‌ها دامن خواهد زد؛
- عدم نگهداشت و یا به‌دادن به اعضاء سالخورده خانواده و مشارکت ندادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مرتبط به خانوار؛
- شوک‌های اقتصادی منجر به تورم، گرانی و بیکاری کارگاه‌های تولیدی و خدماتی و بالتبع ظهور تعارض بین هزینه‌ها و درآمدهای خانواده و قرار گرفتن این نهاد در زیر خط فقر؛ این مهم بعضاً و البته ناگزیر، توسل به بازوان نحیف کودک به‌عنوان تنها منبع درآمد خانوار، و یا منبع مکمل درآمد خانوار را دامن زده است؛
- بدسرپرستی یا بی‌سرپرستی خانواده و یا نداشتن سرپرست مؤثر؛
- هم‌سو نبودن برنامه‌های رسانه‌ای و تصویری با نیازها و اقتضات خاص خانواده‌های متعلق به گروه‌های مختلف جمعیتی؛ خصوصاً این‌که رسانه‌های جمعی به‌عنوان یکی از اجزای نظام فرهنگی و آموزشی کشور، امروزه رقیب کارکرد تربیتی خانواده و یکی از بزرگ‌ترین منابع اطلاع‌رسانی و آموزشی به شمار می‌روند؛
- نارسایی قانونی؛ اعم از خلأ، ضعف و یا ابهام قوانین، از جمله فصول مرتبط قانون مدنی و نیز قانون حمایت از خانواده در حمایت جامع‌نگر از تشکیل و تحکیم بنیان خانواده و صیانت از انسجام و جلوگیری از فروپاشی آن، عدم تعریف شفاف و منجز تکالیف و حقوق زوجین در رتق‌و‌فتق امور زندگی مشترک بر مبنای مشارکت مشترک ایشان، هم‌چنین نامشخص بودن حداقل سن ازدواج و حداقل سن بارداری؛
- ناکافی بودن حمایت از نهاد خانواده در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مراقبتی؛
- بالمآل عدم‌کفایت سازوکارها و طرح‌های رفاهی و خدماتی در کاهش محرومیت اجتماعی و اقتصادی خانوارهای متعلق به سطح فرودست اجتماع؛ نیز خانوارهای زن-سرپرست، خانوارهای با عضو دارای معلولیت و یا مبتلا به بیماری‌های صعب-العلاج و مزمن.



نقش شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در ارتباطات خانوادگی

شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از وب سایت‌های اینترنتی هستند که قادرند با جایگزینی جاذبه‌های غلط مدرن به جای ارزش‌های اسلامی و ایرانی، سبک زندگی غربی را ترویج نموده و چالش جدی بین الگوهای رفتاری افراد ایجاد نمایند و از آنجایی که کشور اسلامی است باید از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی به منظور نهادینه کردن مؤلفه‌های ارزشمند ایثار شهادت و وارستگی که برگرفته از انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس است استفاده بهینه کرد.

خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین عنصر از یک جامعه، کارکردهای فراوانی در ابعاد فردی و اجتماعی داشته و دارد وقتی آسیبی متوجه این هسته اصلی اجتماع می‌گردد در بالاترین سطح آسیب متوجه جامعه می‌شود که چه‌بسا برخی از این آسیب‌ها قابل جبران نباشند. متأسفانه افراد به دلیل این که ارتباطات در فضای مجازی بسیار آسان، سریع و کم‌هزینه برقرار می‌شود ارتباطات گسترده‌ای برقرار نموده و رفته‌رفته بسیاری از ارزش‌های اجتماعی، اعتقادی و حتی آداب بومی که تا چندی پیش کاملاً به آن معتقد و ملتزم بودند را فراموش می‌کنند. در سایه استمرار این ارتباطات عناصری چون، حیا، مسئولیت‌پذیری، وفاداری، عفت و ده‌ها عنصر دیگر که برای تحکیم و بقای خانواده اصل بقای خانواده تلقی می‌شد؛ رفته‌رفته از بین می‌رود.

در این وضعیت مسلماً آسیب‌های جدی متوجه خانواده بوده و نمی‌توان انتظار داشت که روابط زناشویی و پیوندهای باارزش خانوادگی به قوت گذشته، پابرجا باشد چراکه افراد در اثر ارتباطات متعددی که در فضای مجازی برقرار می‌کنند دیگر ارزش و اهمیت چندانی برای ارتباطات خود در محیط خانواده قائل نبوده و از سوی دیگر طرف مقابل آنان نیز دچار نوعی سرخوردگی نسبت به زندگی مشترک خود شده و این عوامل دست‌به‌دست هم داده و کیان مقدس خانواده را در معرض سقوط قرار می‌دهند.

نقش رسانه‌های عمومی در ارتباطات خانوادگی

رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب می‌توانند از جمله مؤلفه‌های درخور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری خانواده‌ها به سمت‌وسوی رفتارهای انحرافی می‌باشند. بررسی‌ها نشان داده‌اند در ظرف چند سال اخیر و در پی ورود برخی مطبوعات زرد (= مبتذل، عامه‌پسند و جنجالی) به عرصه رسانه‌های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره‌گیری از شخصیت‌های سینمایی و هنری و درج



اخبار بی‌محتوا و توأم با بزرگ‌نمایی، انعکاس بیش از حد اخبار مربوط به بازیگران سینما و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها را از هم متلاشی کرده و این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه‌های آسیب‌های اجتماعی مختلف شده است.

از سوی دیگر، پخش شمار قابل توجهی از سریال‌های تلویزیونی، از طریق صداوسیما و یا شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی، با مضامین زندگی‌های مجرد گونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و به‌طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی‌های ازهم‌گسیخته، نقش مؤثری در تقویت انگیزه گریز از قیدوبندهای خانوادگی و هنجارها، و ارتکاب جرائم اجتماعی ایفا کرده است. (ماهانامه ایران دخت، ش ۱۷، ص ۱۳)

نقش رسانه‌های جمعی، به‌ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی‌بندوباری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای بندی مذهبی حائز اهمیت است. (مجله کتاب زنان، ش ۱۵، ص ۶۶)

راه‌های برون‌رفت از چالش‌های ارتباطی خانواده مسلمان ایرانی

۱- شناخت کافی از آموزش‌های مورد نیاز اعضای خانواده اعم از تحصیل و مطالعه والدین، دوران پیش از تولد فرزندان، طفولیت و مقاطع آموزشی ابتدایی، متوسطه و عال بر مبنای آیات و روایات. تحصیل علم و آموزش قبل از تولد تا لحظه مرگ برای هر مرد و زن مسلمانی واجب شناخته شده است «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد و طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة». بسیاری از والدین شاید ندانند بخشی از مشکلات در روابط اجتماعی افراد، ناتوانی در درک همسر، مشکلات کاری، کم توجهی به آموزش‌های دینی، سردرگمی و بسیاری از مشکلاتی که در دوران بزرگسالی رخ میدهد، می‌تواند ریشه در دوران کودکی و نوجوانی و ناتوانی والدین در شناخت علایق، استعدادها و تواناییهای فرزندان، تشویق به مطالعه، تبادل اطلاعات خانواده و معلم و آموزش پایه‌ای و اصولی نظم، مشورت، تقویت حافظه و بایسته‌های دوران بلوغ داشته باشد.

این در حالی است که والدین وقت گران‌بهای فرزندان خود را صرفاً اختصاص به گذراندن دوره‌های یکنواخت مدارس ابتدایی تا دبیرستان و پس‌از آن بلااستثنا تحصیل بی‌هدف در دانشگاه تا هر مقطعی برای به دست آوردن شغل به‌اصطلاح پشت میزی می‌دهند و اوقات فراغتی‌شان را با کلاس‌های آموزشی زبان‌های خارجی، نقاشی و روباتیک پر می‌کنند بدون اینکه به مسائل مهمی نظیر برنامه‌ریزی هدفمند و اشتغال محور در آموزش فرزندان بر پایه نیازهای آینده جامعه، و تلاش در جهت کسب هویت دینی و اجتماعی، نمایش خلاقانه، شخصیت‌شناسی و توان حل مسئله و تقویت حافظه با حفظ و تدبر در آیات نورانی قرآن کریم بپردازند. مسائلی که با توجه علمی به آن‌ها در ارتباط اسلامی



خانواده، می‌توان روند کلی زندگی فرد را تغییر داد و با تکیه بر والدین، معضلات آموزشی اعضای خانواده خصوصاً فرزندان را حل و فصل نموده و نقش مشاور آموزشی خانواده را ایفا نمایند.

۲- فرصت‌ها و تهدیدهای رسانه :

ارتباط موفق در خانواده اسلامی لازم است توانایی بهره‌برداری صحیح از رسانه‌های امروزی و پیشگیری از بروز آسیب‌های مخرب برخی شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی را کسب کرده باشد. رسانه عامل انتقال پیام است و نقش مهمی در رشد اعضای خانواده دارد ولی در مقابل می‌تواند آسیب‌هایی را از طریق برنامه‌های مخرب ماهواره و صفحات وب در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به خانواده وارد کند. به همین خاطر خانواده بایستی شناخت کاملی از رسانه و تأثیرات مثبت و منفی و فرصت‌ها و تهدیدهای آن و روش استفاده صحیح و منطبق با مبانی دینی به دست آورد تا بتواند ضمن ارائه راهکارهای مناسب به خانواده‌ها در سبک بهره‌برداری از رسانه (گزینش اطلاعات دریافتی و تولید و انتشار اطلاعات در فضای مجازی)، نتیجه یافته‌های خود را برای تولید محتوای رشد دهنده و فاخر در اختیار پدیدآورندگان آثار رسانه‌ای و فعالان حوزه خانواده قرار دهد.

۳- بهداشت روحی و جسمی :

ارتباط موفق در خانواده اسلامی لازم است بهداشت روحی و جسمی اعضای خانواده را با استفاده از آموزه‌های قرآنی، و علوم روز در حوزه روانشناسی، بهداشت کودک، طب سنتی و معارف اهل‌بیت علیهم السلام، سلامت خانواده را تضمین نماید.

در صدر اسلام، مسلمین با رعایت دستورات و احکام صادره از سوی نبی اکرم [ع] مانند طهارت، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال، وعده‌های غذایی، روزه و مسواک توانسته بودند تندرستی و صحت جسمی خود را تا می‌نمایند و بدین واسطه بیماری‌ها و نیاز به اطباء بسیار کم بود، همچنین با بهره‌مندی از ابعاد روحی احکام شریعت و حضور فعال اجتماعی و حسن معاشرت و رعایت تقوی و پرهیز از بخل و حسد و دروغ و غیبت بر بسیاری از آلام و دردهای روانی خود فائق آمده بودند.

خانواده‌ها با استمداد از پشتوانه عظیم طب اسلامی و سنتی و توجه به علوم پزشکی روزآمد در حوزه سلامت خانواده، می‌توانند در تأمین بهداشت و پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های روحی و جسمی اعضای خانواده‌ها نقش شایانی داشته باشند.

۴- تدبیر معیشت و اقتصاد :



ارتباط موفق در خانواده اسلامی لازم است تدبیر معیشت و اقتصاد خانواده را با پرهیز از تجمل‌گرایی، اشرافی‌گری و اسراف و توجه به مساکین و ایتم با پرداخت وجوهات شرعی (خمس، زکات، رد مظالم، کفارات) و حرکت در مسیر فعالیت‌های اجتماعی مولد و کارآفرین و توجه به کالای مرغوب ایرانی با رویکرد اقتصاد مقاومتی به دست گیرد.

در شرایط امروزی جامعه که از یکسو فقر و فاصله طبقاتی و از سوی دیگر ثروت‌اندوزی و تفاخر، عامل جدید بروز مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شده‌اند، جای خالی والدین که خانواده‌ها را از مضرات و خطرات ضعف تدبیر در معیشت و برج بیهوده و از سرچشمه چشمی، احساس می‌شود.

۵- احکام شرعی و حقوق قانونی:

ارتباط موفق در خانواده اسلامی لازم است به احکام شرعی و حقوق قانونی خانواده در زمینه‌های زناشویی (ازدواج، آیین همسرمداری و طلاق)، والدین، فرزندان و وراثت واقف باشد.

پیش‌ازاین نیز گفته شد که عدم آگاهی از وظایف، حدود و اختیارات یکی از بزرگ‌ترین عوامل ازهم‌پاشیدگی ارکان خانواده قلمداد می‌شود که هر یک از اعضای خانواده با علم به حقوق خود و سایر اعضا و رعایت موازین فقهی و شرعی که در دین مبین اسلام مجموعه کاملی از احکام دراین‌باره وضع گردیده، می‌توانند اختلافات را کاهش داده و به وظایف خود به‌خوبی عمل نمایند.

۶- فرهنگ و تربیت اسلامی:

ارتباط موفق در خانواده اسلامی لازم است فرهنگ و تربیت اسلامی را با رعایت اصول اخلاقی، رهنمودهای معصومین [۱] لگوپرداری از سیره بزرگان دینی در تعامل بین زن و شوهر، روابط والدین و فرزندان و حضور در اجتماع (حجاب، عفاف) برای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب بشناسد.

۷- اصول عقاید و ضروریات دینی:



ارتباط موفق در خانواده اسلامی لازم است اصول عقاید و ضروریات دینی و مذهبی خانواده را در جهت اقناع فکری و رشد اندیشه اسلامی والدین و فرزندان به منظور پاسخگویی اولیه به سؤالات و دفاع ابتدایی در مقابل شبهات وارده، آموخته باشد.

۸- هنر و زیبایی‌شناسی:

ارتباط موفق در خانواده اسلامی لازم است هنر و زیبایی‌شناسی در شئون مختلف خانواده مانند آشپزی، ساده آرای، تولید تزئینات بومی، تابلو با طرح‌های اسلیمی و چیدمان منزل بر اساس سبک زندگی اسلامی را به منظور تقابل با هنرهای غیربومی و غیراسلامی (فنگشویی، آرایش، تندیس) بیاموزد.

۹- آداب زندگی اجتماعی:

ارتباط موفق در خانواده اسلامی لازم است آداب زندگی اجتماعی در بهره‌برداری از اموال عمومی (تجهیزات مدرسه، وسایل نقلیه، مبلمان شهری)، حفظ محیط‌زیست، رعایت حق الناس و حریم خصوصی، مصرف بهینه انرژی (آب، برق و گاز)، آداب معاشرت و همسایه داری و احترام به قانون موردتوجه قرار بدهد.

۱۰- تنظیم رابطه صحیح بین دو خانواده: دختر و پسر که از کودکی در دامن خانواده‌ای رشد یافته‌اند، نمی‌توانند و نباید خانواده خود را فراموش کنند. احساسات و عواطف هر فرد درباره خانواده‌اش، حتی اگر خاطراتی ناخوشایند نیز از آن داشته باشد، ریشه‌دار و عمیق است.

از آنجاکه دل‌بستگی دختران به خانواده خود و نیاز آن‌ها به دیدار اعضای خانواده بیش‌تر است، دل‌تنگی و غمگینی در دخترانی که پس از ازدواج ناچار به ترک بستگان و شهر خود هستند، بیش‌تر بروز می‌کند. از این‌رو، زن و شوهر نباید از یکدیگر انتظار داشته باشند که با افراد خانواده خود قطع رابطه کنند، و یا چنین تلقی شود که رابطه با خانواده خود دلیل بی‌مهری و بی‌توجهی به همسر است. البته میزان این روابط باید به‌گونه‌ای باشد که خللی به روند زندگی زناشویی وارد نسازد و موجب غفلت و یا کوتاهی از انجام وظایف زندگی مشترک نگردد. در صورت امکان، بهتر است زن و شوهر به‌اتفاق همدیگر با خانواده‌های خود رفت‌وآمد کنند، اگرچه از نظر روانی نیاز است که گاه زن و شوهر به‌تنهایی با خانواده‌های خود معاشرت کنند و به‌گفت‌وگوهای خصوصی و خانوادگی بپردازند.





مسئولیت تنظیم روابط و رفتار مناسب و درست زن و شوهر با دو خانواده بر عهدهٔ فرزند آن خانواده است که نقش مهمی در ایجاد رابطه‌ای صمیمی و دوستانه بین همسر و خانوادهٔ خود دارد. او باید به‌گونه‌ای رفتار کند که محبت و صمیمیت بیش‌تری بین آن‌ها برقرار شود، مثلاً ذکر نکات مثبت همسر در زندگی مشترک و مطرح نکردن نکات منفی و کشمکش‌ها در زندگی خصوصی با خانواده خود، از نکات بسیار مهم است.

باید توجه داشت که زن و شوهر اگر اختلاف‌سلیقه و یا برداشت‌هایی از خانوادهٔ دیگری دارند، بهتر است تا حد امکان از بیان آن خودداری کنند؛ چراکه هیچ فردی به‌سادگی نمی‌تواند انتقادات دیگران را دربارهٔ افراد خانوادهٔ خود بپذیرد و برخی انتقادات باعث واکنش‌های عصبی می‌گردد که همراه با مقاومت‌های روانی است و یا موجب ابراز انتقاد و عیب‌جویی متقابل از خانوادهٔ دیگری خواهد شد. البته اگر گاه انتقاد یا گله به‌گونه‌ای ملایم بیان شود و همسر نیز منطقی باشد، هیچ مشکلی پیش نمی‌آید.

زن و شوهر باید به‌گونه‌ای با خانواده‌های خود رفتار کنند که آنان را از ابراز انتقاد و یا گله از همسرشان بازدارند. دو خانواده نیز نباید چنین تصور کنند که مانند گذشته می‌توانند و یا باید از جزئی‌ترین مسائل زندگی مشترک و زناشویی فرزندشان آگاه شوند و به خود اجازه دهند که در زندگی مشترک فرزندشان دخالت کنند. آن‌ها باید این حقیقت را بپذیرند که فرزندان حق دارند و باید با مشورت و تفاهم برای زندگی خصوصی‌شان تصمیم گیرند و به همین دلیل، صلاح زندگی آن‌ها در این است که بسیاری از روابط خصوصی و چگونگی روش زندگی‌شان را پنهان نگه‌دارند.

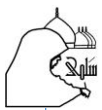
به‌هرحال باید توجه داشت که قطع رابطه یک‌طرفه و یا دوطرفه با خانواده‌ها موجب بروز خلأ عاطفی می‌شود که نه‌تنها زن و شوهر را تحت تأثیر قرار خواهد داد، بلکه بر نوه‌ها نیز از جهت روانی و اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد. آن‌ها نیاز دارند با خانواده‌های پدر و مادر خود در ارتباط باشند، و‌گرنه آنان نیز احساس کمبود عاطفی می‌کنند.

بازگشت به سنت‌های صحیح گذشته، شاید تنها راه نجات انسان، خانواده مسلمان و جامعه ایرانی از حصارى است که مدرنیته به گرد جامعه تنیده است، مدرنیته و سازوکارش، نه به‌طور مطلق؛ ولی در عموم موقعیت‌های زندگی با آموزه‌های دینی جامعه اسلامی ایران تضاد جدی دارد. حذف مؤلفه‌های غربی از زندگی امروزی و جایگزینی صحیح آن، خانواده را به هویتی که از آن دور مانده نزدیک‌تر می‌کند. پس خانواده ناچار در گذرگاه‌های زندگی یکی از این دو راه را باید اختیار کند: یا به جریان عموم ملت‌ها که تابع غرب‌اند بپیوندد و یا دین خویش و سنت‌های نیک را اختیار کند. و نیک دانسته شده، بازگشت به سنت‌های صحیح دینی، به معنای نفی همهٔ داشته‌های بشر امروز نیست؛ و نیز دانسته شده که دنیای مدرن در برابر اسلامی شدن زندگی خانواده مسلمان ایرانی به‌شدت مقاومت خواهد کرد

منابع و مأخذ:

*قرآن کریم

- ۱- آسیب‌شناسی ستیزه‌های خانواده و طلاق، محمدحسین فرجاد، تهران، منصورى، چاپ اول، ۱۳۷۲
- ۲- ارتباط شناسی، مهدی محسنیان، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۹
- ۳- اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلام و ایران، قراملکی، احد فرامرز و همکاران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۶
- ۴- اخلاق تربیتی امام رضا^{علیه السلام}، محدثی، جواد، نشر مطهر، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۸
- ۵- بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر، بیروت، موسسه الوفاء، بی تا
- ۶- تحف العقول، حرانی، ابومحمد، ترجمهٔ محمد مهدی سازندگی، قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۹
- ۷- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲
- ۸- دیروز، من، امروز، ما، گروه مؤلفین، نشر سخن گستر، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۸
- ۹- روان شناسی ازدواج یا تشکیل خانواده، ناهید مهابادی راد، تهران، انتشارات جافظ، ۱۳۷۱.



۱۰- جستارهایی در اخلاق کاربردی، محسن جوادی و جمعی از نویسندگان، نشر دانشگاه قم، چاپ اول، پاییز ۸۹

۱۱- عیون اخبار الرضا^{علیه السلام} ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ترجمه: حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق ۱۳۷۲

۱۲- فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، گروه پژوهشی علوم قرآن و حدیث (جوادی ایروانی و دیگران، دانشگاه علوم اسلامی رضوی،

۱۳۸۷

۱۳- فرهنگ تربیت، عباس اسماعیلی یزدی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸

۱۴- مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی و سیر تحول و تکامل جامعه، محمدحسین فرجاد، تهران، انتشارات بوعلی، بی تا.

۱۵- وسائل الشیعه، محمد بن حسن حرعاملی، قم، موسسه آل البیت^{علیهم السلام} بی تا

۱۶- منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، محمد، ترجمه: حمیدرضا شیخی، نشر موسسه علمی-فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۷

۱۷- ماهنامه ایران دخت، ش ۱۷، بهمن ۱۳۸۳، ص ۱۳.

۱- ۱۸- مجله کتاب زنان، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۱، ص ۶۶ و ش ۲۲، ۱۳۸۲، ص ۷۶

